



V 3 8 3

عنوان پایان نامه

بررسی رابطه توسعه سیاسی و اقتصادی با امنیت و بیگاری در ایران

۱۳۸۲ / ۲ / ۳۰

ترتیب اطلاعات مدرک علمی ایران
تمتیه مدرک

نگارش:

خلیل حسن زاده

استاد راهنما:

دکتر جهانگیر معینی

استاد مشاور:

دکتر موثقی

پایان نامه برای دریافت کارشناسی ارشد
در رشته تحصیلی علوم سیاسی

بهمن ۱۳۸۱

۴۵۹۸۷



فرم ارزشیابی پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشکده: حقوق و علوم سیاسی - گروه: علوم سیاسی

در چارچوب ارزیابی مرحله تحقیقاتی مطوع کارشناسی ارشد دانشجویان دانشگاه تهران

آقای: خلیل حسن زاده به شماره دانشجویی: ۲۱۰۱۷۹۱۴۰ در رشته: علوم سیاسی
گرایش: علوم سیاسی پایان نامه خود به ارزش: ۴ واحد را که در نیمسال اول سال تحصیلی:
دوم اخذ و ثبت نام نموده بود، تحت عنوان: بررسی رابطه توسعه سیاسی و اقتصادی با امنیت بیکاری در ایران

داور

ی

به سرپرستی (استاد راهنما): دکتر معینی علمدار استاد مشاور: دکتر موثقی استاد مشاور دوم (حسب مورد): دکتر متقی
در تاریخ: ۸۱/۱۱/۲۱ در حضور هیأت داوران به شرح ذیل با (مرتبت / عدم مرتبت / اصلاحاتی) دفاع نمود.

اسامی هیأت داوران	مرتبه علمی	محل اشتغال	امضاء
۱- استاد راهنما: دکتر جهانگیر معینی علمداری	استادیا	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲- استاد مشاور: دکتر احمد موثقی	استادیار	" "	
۳- استاد داور: دکتر ابراهیم متقی	استادیار	" "	
۴- استاد داور:			
۵- استاد داور یا استاد مشاور دوم			

به عدد	به حروف
۱۸/۵	هجده و پنج

نمره نهایی هیأت داوران:

ملاحظات:

تذکر: نیازی به درج نمره جداگانه هریک از داوران نبوده و فقط نمره مورد توافق هیأت داوران (متوسط) اعلام می شود.

سرپرست تحصیلات تکمیلی دانشکده

با سلام، نظر به اعلام نمره نهایی فوق الذکر از جانب هیأت داوران خواهشمند است نسبت به انجام امور فراغت از تحصیل دانشجوی یاد شده برابر ضوابط و مقررات اقدام متنفسی مبذول فرمائید.

نام و نام خانوادگی مدیر گروه: دکتر حمید احمدی امضاء و تاریخ:

توجه مهم: کلیه نوشته ها به استثناء نمره هیأت داوران و مطالب بند ملاحظات قبل از دفاع باید با ماشین تایپ گردد.
تذکر: این فرم به دفتر تحصیلات تکمیلی دانشکده ارسال و تصویر آن در گروه مربوط نگهداری می شود.

تقدیمی:

نگارش این رساله را بی‌پاس چشم پوشی از اوقا تیکه
متعلق به آنها بوده است به همسرم فریبا سعادت
یاری و فرزندانم حامد وصابر تقدیر می‌دارم .

چکیده

« بررسی رابطه توسعه سیاسی و اقتصادی با امنیت و بیکاری ایران »

توسعه، همانند طبیعت، بر قواعد و قوانینی معین استوار است. پیشرفت و توسعه یافتگی به شکل قابل توجه تابع منطق و محاسبات ناشی از آنهاست. در بحث از موضوع توسعه سیاسی در یک جامعه لازم است میان مسائل شکلی و ساختاری توسعه و محتوای توسعه سیاسی تفاوت قائل شد. شکل و ساختار هر حکومتی میتواند تا اندازه قابل توجهی مستقل از محتوای سیاسی آن مورد بحث و بررسی قرار گیرد طبیعی است که این دو مورد به هم مرتبط میباشند توسعه سیاسی به دلیل چند بعدی، جامع و شدیداً کیفی بودن آن، پیچیده ترین سطح توسعه یک جامعه است. توسعه اقتصادی با رشد اقتصادی که، فقط بر افزایش مادی کل در آمد ملی یا تولید ناخالص ملی یک جامعه در یک دوره معین تأکید دارد، متفاوت است، توسعه اقتصادی پدیده عامتر از رشد اقتصادی است و جنبه های کمی و کیفی جامعه را در بر میگیرد. توسعه اقتصادی در دنیای معاصر به صورت رقابتی پایان ناپذیر، در میان کشور هایی که در سطوح مختلف پیشرفت قرار دارند، جلب توجه می کند، به گونه ای که کشورهای در حال رشد، موفقیت نامساعد خود را درک کرده و به تدریج با استفاده از تمام منابع و امکانات در صدد رفع شکاف عمیقی که میان آنها و کشورهای پیشرفته صنعتی وجود دارند برآمده اند.

ثبات سیاسی بعنوان یکی از علل سیاسی در تسریع فرایند توسعه یافتگی یک جامعه میتواند، مؤثر باشد بنابراین عدم ثبات سیاسی و امنیتی موجب میگردد که برنامه ها و راهبردهای تدوین شده برای توسعه اقتصادی به بار نشیند و گسستگی در اجرای عملی سیاستها و راهبردهای توسعه اقتصادی بوجود آید.

بخشهای توسعه سیاسی جامعه نمی تواند از منظر توسعه فاصله زیادی با توسعه اقتصادی داشته باشد.

ریچارد پراید در پژوهشی مبتنی بر مقایسه ۲۶ کشور در فاصله سالهای ۱۸۴۰ و ۱۹۶۰ استدلال کرده است که کشورهایی که شاهد تحول اقتصادی زودرس بوده اند چندان پیشرفتی در توسعه سیاسی نداشته اند.

یکی از دغدغه های با اهمیت جوامع به ویژه کشورهای در حال توسعه در رسیدن به توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی، حفظ اشتغال و فرصتهای شغلی و مبارزه با معضل بیکاری می باشد. افزایش بیکاری با معیاری توسعه سیاسی و اقتصادی همخوانی ندارد در سالهای اخیر، به ویژه از ابتدای دهه ۱۹۹۰، اکثر کشورها (اعم از توسعه یافته و در حال توسعه)، غلبه بر بیکاری را در برنامه هایشان دنبال کرده اند. ایجاد اشتغال در جامعه، علاوه بر در آمد و رهایی از ورطه فقر، دامنه گسترده تری بلحاظ ایجاد ثبات سیاسی و امنیتی در جامعه دارد. افزایش جمعیت بالقوه فعال (۲۴-۱۵ ساله) تغییرات اساسی در ساختار سنی جمعیت کشور بعد از انقلاب اسلامی و عدم توان ایجاد فرصتهای شغلی با توجه به ورود خیل عظیم این

جمعیت به ویژه جوانان و در سالهای اخیر فارغ التحصیلان دانشگاهی، ارتش بیکاران را تشکیل داده است این لشکر هم اکنون بعنوان یک معضل اساسی و بحران، امنیت کشور را مورد تهدید جدی قرار داده است.

راهبردها و سیاستهای تدوین شده برای بالا بردن توان ضریب اشتغال در راستای مبارزه علیه بیکاری بعد از انقلاب اسلامی و همچنین در سایه برنامه های اول و دوم و سوم توسعه کشور، شکاف بین عرضه و تقاضای موجود را نه تنها تأمین ننموده است بلکه هر روز به ابعاد این شکاف اضافه می گردد. مسئله این است که موضوع اشتغال بعد از انقلاب اسلامی همواره یک مساله سیاسی محسوب میشده است و شیوه برخورد با آن تابع اقتضا های سیاسی و امنیتی و بحرانهای سیاسی بوده است. بنابراین بیکاری بعنوان یک میانجی و حلقه واسطه میان عدم توسعه سیاسی و عدم توسعه اقتصادی در تشدید این توسعه نیافتگی مؤثر می باشد بنابراین این معضل باعث تداوم دوره باطله میشود بهرحال لازم است با استفاده از انواع وسایل و ابزار بتوان از خارج شدن مساله بیکاری از حالت اقتصادی صرف به شکل یک مساله سیاسی و امنیتی جلوگیری نماییم

سیاسکزاری

ان رحمت کلیه محلمین دلسون و اساتید گرانقدر دوران تحصیل
تشکر و قدردانی میشود. ان رحمت بیدریغ جناب آقای دکتر
جهانگیر مبینی استاد محترم که با حوصله و صبری بی نظیر
اینجانب را در تهیه این رساله راهنمایی کردند کمال تقدیر و
تشکر بعمل می آید. همچنین ان رحمت استاد مشاور ارجمند جناب
آقای دکتر موثقی که حق استادی بر کردن اینجانب دارد
تشکر و قدردانی میشود.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۹	فصل اول/ بررسی انواع سیاستهای توسعه و رابطه توسعه سیاسی و مساله اشتغال و بیکاری
۱۰	مبحث اول- بررسی انواع راهبردهای توسعه
۱۲	الف- راهبرد جایگزینی واردات
۱۲	۱- مفهوم و نگرش راهبرد جایگزینی واردات
۱۵	۲- ویژگیها و اهداف راهبرد جایگزینی واردات
۱۶	ب- راهبرد گسترش صادرات
۱۶	۱- مفهوم و نگرش راهبرد جایگزینی صادرات
۱۸	۲- ویژگیها و اهداف راهبرد جایگزینی صادرات
۲۱	ج- تعریف توسعه در ایران
۲۷	۱- راهبرد و سیاستهای توسعه برنامه اول (۷۳-۱۳۶۸)
۳۶	۲- راهبرد و سیاستهای توسعه برنامه سوم و دوم (۷۸-۱۳۷۴) و (۸۲-۱۳۷۸)
۳۹	مبحث دوم/ بررسی رابطه توسعه سیاسی و مسئله اشتغال و بیکاری
۴۰	الف- بیکاری بعنوان میانجی
۴۱	ب- تعریف توسعه سیاسی، تئوریهها و شاخصهای توسعه سیاسی
۴۹	ج- تعریف توسعه اقتصادی، تئوریهها و شاخصهای توسعه اقتصادی
۶۰	د- بررسی رابطه توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی
۶۳	ه- بررسی دلایل چگونگی عدم تحقق شاخصهای توسعه سیاسی
۶۳	۱- دلایل اقتصادی
۶۶	۲- زمینه های سیاسی
۶۸	ی- نقش اشتغال و بیکاری بعنوان میانجی در توسعه سیاسی و اقتصادی
۷۴	فصل دوم/ تحول ساختار در اقتصاد ایران
۷۵	مبحث اول/ نقش دولت در اقتصاد
۷۶	الف- دامنه فعالیت دولت

۷۸	ب- امور کشاورزی
۷۹	ج- صنعت
۸۰	د- آموزش
۸۱	ذ- بخش مالی
۸۲	ه- تجارت خارجی
۸۳	مبحث دوم/ مقررات زدائی
۸۴	الف - قیمتها و مقررات
۸۴	ب - مقررات زدایی
۸۴	ج- مقررات درایران
۸۶	مبحث سوم / بخش خصوصی
۸۹	الف - عمده ترین اهداف دولت از اجرای خصوصی سازی
۸۹	ب - سیر قانون خصوصی سازی درایران
۹۱	ج- جایگاه بخش خصوصی
۹۲	د- تجزیه و تحلیل عملکرد خصوصی سازی درایران
۹۳	مبحث چهارم/ سرمایه خارجی
۹۴	الف- سرمایه گذاری خارجی: (FPI)
۹۴	ب - سرمایه گذاری مستقیم خارجی: (FDI)
۱۰۰	مبحث پنجم / سیاست های ارزی
۱۰۲	مبحث ششم / نفت
۱۰۴	فصل سوم/ ابعاد سیاسی و اجتماعی و امنیتی مساله بیکاری در ایران بعد از انقلاب اسلامی
۱۰۵	مبحث اول/ بیکاری از نظر اسلام
۱۰۵	مبحث دوم/ مفهوم بیکاری و انواع بیکاری
۱۰۶	مبحث سوم/ اشتغال و بیکاری در ایران بعد از انقلاب اسلامی از نگاه آمار
۱۱۱	مبحث چهارم/ تحلیل آمار اشتغال و بیکاری بعد از انقلاب اسلامی
۱۱۸	مبحث پنجم/ عوامل و ابعاد سیاسی مساله بیکاری در ایران
۱۲۰	الف - بررسی نقل و قولهای مطرح شده در خصوص ابعاد سیاسی و امنیتی بیکاری
۱۲۴	ب - تبعات منفی سیاسی و امنیتی مساله بیکاری در ایران

۱۴۰	فصل چهارم/ ارائه راهبردهای لازم برای کاهش تبعات منفی سیاسی و امنیتی معضل بیکاری
۱۴۰	مبحث اول / بررسی و توصیف کلی وضعیت راهبردهای مساله بیکاری در برنامه اول و دوم توسعه
۱۴۱	الف- بررسی نقاط قوت راهبردها
۱۴۴	ب- بررسی نقاط ضعف راهبردها
۱۴۶	ج- نقد و بررسی تحلیل راهبردها و دلایل عدم پاسخگوئی به حل مساله بیکاری
۱۵۱	مبحث دوم/ بررسی و توصیف کلی وضعیت سیاست های موجود در دولت آقای خاتمی ریاست جمهوری (برنامه سوم توسعه)
۱۵۱	الف- بررسی نقاط قوت راهبردها
۱۵۵	ب- بررسی نقاط ضعف راهبردها
۱۵۶	ج- نقد و بررسی و تحلیلی سیاستهای موجود در دلایل عدم پاسخگوئی این راهبردها به حل مساله بیکاری
۱۶۴	مبحث سوم / افزایش پیامدهای امنیتی و سیاسی مساله بیکاری در ایران
۱۶۶	مبحث چهارم / تبیین راهبردهای لازم برای کاهش تبعات منفی سیاسی و امنیتی مسئله بیکاری
۱۷۱	فصل پنجم/ نتیجه گیری و پیشنهادات
۱۷۲	۱- نتیجه گیری
۱۷۷	۲- پیشنهادات
۱۷۹	- ضمیمه شماره ۱ : جدول ها
۱۸۶	- ضمیمه شماره ۲: تبصره ۳ تسهیلات بانکی و امور اشتغال سال ۸۱
۱۹۶	- ضمیمه شماره ۳: چکیده گزارش شورای عالی اشتغال و عملکرد شش ماهه طرح سی هزار فرصت شغلی جدید در صنایع کوچک
۱۹۸	- ضمیمه شماره ۴: سیاستهای اشتغال از فصل ششم قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
۲۰۱	- ضمیمه شماره ۵: یازدهمین جلسه مشترک ستاد ویژه شورای عالی اشتغال در تاریخ ۱۳۷۹/۱۲/۳ به ریاست جناب آقای خاتمی ریاست محترم جمهوری
۲۰۵	فهرست منابع
۲۰۸	فهرست جرائد
-	صفحه عنوان انگلیسی

مقدمه

اگرچه تفکر و اندیشه در رشد و تکامل جوامع انسانی نقش بلا منازع دارد. اما در حوزه عمل «کار و اشتغال» بعنوان منشاء ثروت یک ملت در عینیت بخشیدن اندیشه، عنصری حیاتی است. بگونه ای که آنرا پایه و اساس توسعه و جامعه متمدن میدانند.

متفکر فرانسوی «مونکرتین»^۱ تحت تأثیر اصلاح مذهبی، تفسیر کاملاً جدیدی از مفهوم کار در مسیحیت می دهد، وی معتقد است، زندگی و کار انسان پیوند ناگسستنی باهم دارند.

از دیدگاه مکتب اسلام نیز، تأکید اساسی بر «کارکردن و اشتغال» بعنوان یک اصل اساسی و یک اصل بی بدیل صراحتاً اشاره شده است. درسرخن پیامبر عظیم الشان اسلام و ائمه معصوم علیهم السلام و نیز سیره عملی آنان به وضوح، رد پای این تفکر و اعتقاد دیده می شود. حتی در کلام پروردگار متعال در سوره نجم، آیه ۳۹ می خوانیم که «برای انسان چیزی وجود نخواهد داشته مگر در حدی که سعی و کوشش کرده است.» در مقابل بیکاری بعنوان عنصری مخرب و زیان بخش در روابط فردی و اجتماعی محسوب میشود که متضمن هزینه هایی برای فرد و تبعات سوء سیاسی اجتماعی و امنیتی برای اجتماع است.

بطوریکه «دیکینسون» اظهار می داد،^۲ بین اقدامات جنایی و معضل بیکاری، همراهی روشنی دیده میشود و بیکاری عامل اصلی در انگیزه جرم محسوب می گردد.

در مکتب اسلام نیز به وضوح، زشتی و نامطلوبی بیکاری در قرآن مجید و احادیث و عملکرد پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام مورد مذمت و نکوهش قرار گرفته است. امام سجاد(ع) میفرماید که «گناه بیکاری آنقدر سنگین است که حتی دامن همنشینان آنها را هم می گیرد.»^۳

در فرهنگ عام ایران نیز موضوع کار بعنوان یک ارزش نهادینه شدن اجتماعی محسوب می شود و برعکس از معضل بیکاری تحت عنوان یک پدیده مرسوم و ضد ارزشی و بیماری یاد می شود.

مشکلات بیکاری و تبعات منتج از آن، گاهی موجب تغییرات اساسی در صفحه سیاسی بعد از جنگ جهانی دوم یکی از معضلات سیاسی و امنیتی دنیای غرب بوده، بطوریکه بعنوان یک موضوع اساسی مجدداً ظهور نموده است. باتوجه به

۱ دکتر فرجادی، غلامعلی، نیروی انسانی، بازار کار و اشتغال، سازمان برنامه و بودجه، ناشر سازمان برنامه بودجه، چاپ اول ۱۳۷۹، ص ۱۲.

۲ همان منبع، ص ۱۳

۳ کار در منابع اسلامی، شماره ۷۶، ص ۱۹، ص ۳۳.

بحران اقتصادی موجود در کشورهای جنوب شرقی آسیا و اثرات سوء منفی سیاسی این بحران در سطح جهانی و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی جهان در سال ۱۹۹۸، پیش بینی میشود بردامنه مشکلات سیاسی و امنیتی ناشی از بیکاری در جهان افزوده شود.

علائم و نشانه های افزایش این معضل را میتوان به سیاستهای اخراج یک میلیون کارگر خارجی از کشور مالزی و یک میلیون کارگر خارجی از کشور تایلند و سخت گیری کشورهای اتحادیه اروپا اشاره نمود. موضوع بیکاری و تبعات منفی سیاسی آن در ایران باتوجه به اخراج کارگران افغانی و عراقی و همچنین در پرتو تدوین برنامه های توسعه سیاسی و اقتصادی کاملاً ملموس شده است. موضوع بیکاری در کشور ما مسئله ای اساسی محسوب میگردد در انتخابات دوره هفتم ریاست جمهوری، نگرش به بیکاری و حل آن، یکی از محورهای شعارهای اصلی برخی از نامزدهای ریاست جمهوری را تشکیل میدهد. تأمین اشتغال و کاهش بیکاری در طرح ساماندهی اقتصادی کشور بعنوان فوری ترین هدف برای کشور بدحفاظ ملموس شدن آثار و پیامدهای منفی سیاسی و امنیتی در کشور بیان و آشکار میباشد. ظهور پدیده بیکاری، اکنون بعنوان یکی از دغدغه های اساسی جامعه ایران را تشکیل میدهد.

تدبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی در نامگذاری سال ۱۳۸۰، بعنوان سال اشتغال مولد و اهتمام جدی دولت، مجلس شورای اسلامی و سایر نهادها و ارگانها برای رونق بخشیدن به اشتغال بمنظور مبارزه جدی با لشکر بیکاران به ویژه جوانان حاکی از نشست و پیامدهای آن و سیاسی شدن این معضل در ایران بعد از انقلاب اسلامی می باشد بطوریکه عامل اصلی گرایش جوانان به مواد مخدر بیکاری توصیف شده و همچنین ۳۵ درصد زندانیان بیکاران جامعه بیان شده است.

عبور از بحران بیکار و پیوستن خیل عظیم بیکاران به مدار اشتغال و حیات اجتماعی باتوجه به پیامدهای منفی آن، نیازمند عزم ملی و مشارکت همه نهادها، سازمانها و صاحب نظران کشور است. شناخت مسائل و مشکلات عمده معضل بیکاری و پیامدهای منفی سیاسی و اجتماعی و امنیتی کشور و بررسی ریشه یابی این مشکل و معضل، از ضروری ترین اقدامات اولیه در تدوین برنامه های توسعه سیاسی و اقتصادی ایران محسوب می شود.

کشور جمهوری اسلامی ایران دارای محاسن و نقاط قوت و نعمتهای فراوان خدادادی از قبیل رودهای پرآب، دشتیهای حاصلخیز، کوههای مرتفع و جلوه های زیبای گردشگری، جوانان با استعداد از نظر هوش و دانش و سابقه طولانی تمدن و... است علیرغم برخورداری از این موهبت های الهی یکی از کشورهای توسعه نیافته محسوب می گردد. نرخ بیکاری یکی

از مسائل اساسی دخیل در عدم توسعه سیاسی و اقتصادی کشور می باشد عکس قضیه نیز صادق و درست است بعبارت دیگر ایجاد فرصتهای شغلی در توسعه فرهنگی سیاسی و اقتصادی کشور از مؤثرترین موضوعات می باشد.

باتوجه به آمارهای موجود در دوره زمانی ۶۵-۱۳۵۵، در حدود سالانه ۲۲۰ هزار نفر به تعداد مشاغلان کشور اضافه شده است بعبارت دیگر از ۸۷۹۹ هزار نفر به ۱۱۰۰۲ هزار نفر افزایش یافته است همچنین در دوره زمانی ۷۵-۱۳۶۵ کل اشتغال کشور از رقم ۱۱۰۰۲ هزار نفر در زمان ۱۳۶۵، ۱۴۵۷ هزار نفر در سال افزایش یافته است بعبارت دیگر سالانه رقمی در حدود ۳۵۶ هزار فرصت شغلی در بخشهای مختلف اقتصادی (کشاورزی، صنعت، خدمات، بازرگانی) ایجاد شده است اما با وجود افزایش میزان اشتغال طی ۲۰ سال گذشته، سالانه به دلیل ورود دخیل عظیم تازه واردان به بازار کار اعم از فارغ التحصیلان دانشگاهی و غیر فارغ التحصیلان، و بدلیل محدودیت رشد بخشهای اقتصادی در کشور، کثش و پذیرش مناسب و لازم برای نیروی کار مازاد رانداشته است و این موضوع بصورت یک معضل جدی بعنوان تهدیدکننده امنیت ملی خود را نشان داده است. اگرچه بعد از پایان جنگ تحمیلی، بطور موقت، حجم نرخ بیکاری کاهش داشت اما بدلیل ساختار بیمار اقتصاد ایران، روند بیکاری سیر صعودی به خود گرفته است. جمعیت بالقوه فعال (۲۴-۱۵ سانه) از ۲۵۴۴۶ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ به رقم ۳۳۷۰۲ هزار نفر در سال ۱۳۷۵، افزایش داشته است. این افزایش به این معنا می باشد که سالانه ۸۲۵ هزار نفر به عرصه نیروی کار و اشتغال اضافه شده است در حالیکه تقاضا برای نیروی کار به واسطه افزایش سرمایه گذاری و گسترش تولید در حدود ۳۵۶ هزار شغل بوده است. این شکاف بین عرضه و تقاضا به همین شکل طی دوره زمانی ۱۳۷۵ تا الآن ادامه دارد بطوریکه برابر برنامه سوم می بایست سالانه حدود ۸۰۰ هزار فرصت شغلی ایجاد گردد اما با این وجود، کمتر از ۴۰۰ هزار شغل ایجاد شده است بنابراین شکاف هر روز وسیعتر میگردد و آخرین آمار تعداد بیکاران در ایران، رقم ۳۲ میلیون نفر را نشان میدهد ولی این رقم در سایه حساب نکردن همه زنان خانه دار و بیکاران ناامید از پیدا کردن کار و شاغلان نیز شامل کسانی که حداقل دو روز در هفته کار کرده و مزد دریافت داشته اند، اعمال شده است.

بنابراین ملاحظه می شود که در دوران بعد از انقلاب اسلامی، افزایش بیکاران ادامه داشته است و این ناتوانی نظام جمهوری اسلامی در ایجاد اشتغال کافی در مقایسه با رشد نیروی کار بوده است. ازسری دیگر توسعه سیاسی و اقتصادی ایران بعد از انقلاب اسلامی، از توسعه یافتگی مناسبی برخوردار نبوده است مقوله توسعه چه از بعد سیاسی، (طرح و تعیین مجاری و ساز کارهای لازم برای مطالبات اجتماعی و سیاسی) و چه از بعد اقتصادی (به معنای رشد مداوم اقتصادی یک جامعه و بهبود وضعیت رفاهی افراد جامعه ناشی از دگرگونی و تحول در بنیانهای اقتصادی)، یک فرآیند همگانی است که به ارتقاء مستمر کل جامعه و نظام سیاسی اجتماعی بسوی زندگی بهتر و یا انسانی تر و به طرف ایجاد یک تمدن منجر میشود.

کشور ما به خاطر عقبه انقلابی عظیمی که دارد ظرفیتهای فراوانی در امر توسعه سیاسی دارد و بدون توجه به مقوله توسعه اقتصادی، رسیدن به توسعه سیاسی واقعی ممکن نخواهد بود و از سوی دیگر الگوی توسعه اقتصادی ایران هم به پیش نیازهای سیاسی احتیاج دارد لذا اگر بخواهیم در امر اقتصاد پیشرفتهایی داشته باشیم اولاً باید بستر با ثبات سیاسی را فراهم کنیم و اجماع و وفاقی میان نخبگان حاکم بر سر شیوه توسعه اقتصادی پیدا شود و ثانیاً گسترش لشکر بیکاران بعنوان یک ورودی جدید که از پیامدهای ناتوانی توسعه است جدی بگیریم ظرفیتهای سیاسی لازم را برای اجابت خواسته های این خیل عظیم بیکاران بوجود آوریم.

از آنجائیکه دولت اسلامی ایران، دولت توزیع و رفاه و مدعی ایجاد عدالت اجتماعی است، گسترش بیکاران هزینه پیامدهای منفی سیاسی و اجتماعی را افزایش می دهد بنابراین، در مقطع کنونی توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی بدون گسترش اشتغال و در نتیجه با افزایش تعداد بیکاران، غیر عملی میباشد تجربه اخیر دوران بعد از انقلاب نشان داده است که بیکاری صرفاً بعنوان یک مسئله اقتصادی مطرح نیست بلکه ابعاد سیاسی نیز دارد ولی برای حل این معضل نمیتوان صرفاً به راه حل های سیاسی متوسل شد. مسأله این است که چگونه میتوان تعادلی بین راه حل های سیاسی و اقتصادی برای بیکاری ایجاد کرد تا از طریق آن بتوان از تأثیر گذاری این عامل بحران ساز ساختاری و از شدتش در جامعه ایران کاست. فریضه این است که « مسئله بیکاری در جامعه ایران، روز به روز به یک عامل بی ثباتی سیاسی تبدیل می شود. روند رشد بیکاری در ایران، تأثیر مستقیمی بر بی ثباتی سیاسی دارد، در واقع در حال حاضر، مسئله بیکاری یک معضل سیاسی نیز هست زیرا، تأثیرات آن بر ثباتی سیاسی ایران در حال افزایش است به همین دلیل نگارنده بر این باور است که بین رشد بیکاری و رشد بی ثباتی سیاسی ارتباط معنا دار یا مستقیم وجود دارد. »

مسئله اصلی شناسایی عوامل رشد بیکاری در جامعه و ارائه راه کارهایی برای جلوگیری از پیامدهای منفی سیاسی آن است.

اهداف طرح مورد نظر آن است که اولاً نشان داده شود که ریشه های سیاسی و اجتماعی بحران بیکاری در ایران چیست، ثانیاً ارائه یک بحث راهبردی سیاسی و اجتماعی برای حل موضوع بحران بیکاری در جامعه ایران، ثالثاً توضیح اینکه سیاستهای توسعه در ایران تا چه اندازه مشکل بیکاری را حل کرده است رابعاً ارائه یک راهبرد برای سیاست گذاری محلی و منطقه ای.

بیکاری روز افزون در کشورها در حال توسعه، معمولاً از بیشتر بودن عرضه نیروی کار نسبت به تقاضای آن بوجود می آید در حالیکه در کشورهای پیشرفته، بیکاری ادواری در موارد بحرانیهای اقتصادی و بیکاری فنی به علت پیشرفت تکنولوژی

وجود دارد. در کشورهای در حال توسعه بیکاری آشکار بخصوص در مناطق شهری به ۱۰ تا ۲۰٪ نیروی کار میرسد و تعداد بیکاران پنهان معادل ۲۵ الی ۳۰ درصد کل جمعیت شاغل در مناطق روستایی است^۱

لذا با احتساب بیکاری آشکارا مجموع بیکاری به ۳۰ الی ۳۵ درصد نیروی کار می رسد. اکثر بیکاران در اینگونه کشورها بیکاران غیر ارادی هستند به این معنی که بیکاری به صورت تحمیلی وجود دارد و افراد حاضر هستند که در صورت وجود هرگونه شغلی، کارکنند اما بر اثر نبودن شغل، بیکار می مانند.

ایران یکی از کشورهای بسیار جوان دنیا است که از ویژگی جوان بودن جمعیت برخوردار است و وجود قریب چهار میلیون بیکار آشکار و چند میلیون بیکار پنهان در حال حاضر در ایران، افزایش پاره ای از ناملایمات اجتماعی و معیشتی، افزایش آمار طلاق و جرم و جنایات، قاچاق مواد مخدر و قاچاق کالا و فساد اخلاقی را افزایش داده است بطوریکه این بیکاری مزمن، موجب توسعه فقر و افول انگیزه ها و اراده ها و اعتماد به نفس افراد و متلاشی شدن بنیان خانواده ها و در نهایت مختل امنیت فردی و اجتماعی شده است.

پیامدها و آثار سوء اشاره شده ثبات سیاسی ایران در نگاه مثبت کم رنگ نموده است اما با نگاه واقع بینانه ثبات و مشروعیت و مقبولیت سیاسی جامعه را خدشه دار نموده است. مشروعیت سیاسی و اطاعت رضایت مندانه مداخلتی تام در حقانیت نظام جمهوری اسلامی دزد. عدم ایجاد فرصتهای شغلی ناراضیاتی این خیل بیکاران بوجود آورده است.

همانطوریکه هازنیتس می گوید: «ناکافی بودن فرصتهای شغلی و زیاد بودن متقاضی شغل، مشکلاتی ایجاد می کند. شهروندان بیکار آمادگی سازمان یافتگی در میان ناراضیان را دارند و خطر از همین جا ناشی می شود»^۲

محروم شدن قشر عظیمی از افراد جامعه ایران از حداقل و نیاز اساسی آنان از رفاه مادی یعنی شغل و در نتیجه بیکار شدن آنان، ناراضیاتی وسیعی را در سطح کشور ایجاد نموده است که امنیت جامعه را نشان گرفته است عدم توجه به خواسته به حق این ارتش عظیم به ویژه گسترش بیکاران فارغ التحصیل از مراکز آموزشی و دانشگاهی خطر تشدید بحران در امنیت ملی ایران را دوچندان نموده است هتینگتن در این راستا می گوید: «در مجموع هرچه سطح تحصیلات بیکاران بالاتر باشد، یا نسبت به نظام بیگانه ترند و یا، افرادی ناراضی اند که نتیجه اش افراط کاری یا رفتار بی ثبات کننده است. فارغ التحصیل بیگانه با نظام، تدارک انقلاب را می بیند»^۳

۱ قره باغیان، مرتضی، اقتصاد رشد و توسعه، نشر تهران، جلد اول، سال ۱۳۷۶، ص ۶۶

۲ گن ژیر، ایرنه، کارگردانی دگرگونی سیاسی در جهان سوم، ترجمه احمد تدوین، نشر سفیر، تابستان ۱۳۶۹، ص ۲۴۵

۳ همان منبع، ص ۲۴۶